

دین اسلام بعنوان یک فرهنگ جهانی (اسلام؛ دین یک عصر و نسل خاص نیست. اسلام؛ خصلتی جهانی دارد)

ویژگی های دین اسلام:

الف) اصول اعتقادی و ارزش های دین اسلام؛ اصول و ارزش های ثابتی است که همه انبیاء در طول تاریخ برای تبلیغ و ترویج آن مبعوث شده اند.

ب) اصول و ارزش های دین اسلام؛ مطابق با نظام آفرینش و موافق با فطرت انسانها هستند. بنابراین؛ عقاید و ارزش های اسلامی؛ به قوم و گروه خاصی تعلق ندارد، بلکه خصلتی جهانی دارند. (بعنوان مثال: توحید بعنوان یکی از عقاید اسلامی؛ حکایت از خداوند واحدی دارد که خدای قوم و قبیله خاصی نیست؛ بلکه خداوند همه انسانها و همه جهان ها است).

ج) انسان در دیدگاه اسلام؛ موجودی مختار، مسئول، متعهد و دارای فطرتی الهی و خلیفه خداوند در زمین است. سعادت و عزت انسان در تقرب و نزدیک شدن به خداوند و رسیدن به مقام خلافت الهی و شقاوت و ذلت او در نسیان و فراموشی حقیقت الهی خود و هزینه کردن تمامی ظرفیت ها و توانمندی های الهی خود برای زندگی محدود این جهان است. (انسان مسئول آباد کردن این جهان و موظف به پرهیز از فساد در خشکی و دریاست)

د) عقل در فرهنگ اسلامی، زیباترین و محبوب ترین مخلوق خداوند است. پیامبران برای برانگیختن عقل انسانها، اجرای عدالت و قسط، جلوگیری از چرخش ثروت در دست اغنیاء (ثروتمندان) و برای آزادسازی مستضعفان از حاکمیت مستکبران، مبعوث شده اند. اسلام؛ مسلمانان را موظف به تلاش برای آزادی مستضعفان می داند و پیروزی مستضعفان بر مستکبران و حاکمیت دین حق را به همه بشریت نوید (مژده) می دهد.

مراحل گسترش فرهنگ اسلامی

عقاید و ارزش های اسلامی با پذیرش انسانها به عرصه فرهنگ بشری راه می یابند.

مراحل گسترش فرهنگ اسلامی:

الف) عصر نبوی: ویژگی های عصر نبوی:

- ✓ آغاز نبوت (پیامبری) پیامبر اسلام (خداوند متعال؛ پیامبر خود را برای تبلیغ توحید و فرهنگی اسلامی در جامعه بشری برانگیخت)
- ✓ تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر اسلام پس از ۱۳ سال دعوت و مقاومت در برابر فشارهای نظام قبیله ای عرب.
- ✓ از بین بردن موانع پیش روی اسلام در شبه جزیره عربستان؛ در طی ۱۰ سال حکومت اسلامی (در سال نهم هجرت؛ گروه های مختلف برای پذیرش اسلام از سراسر شبه جزیره عربستان به مدینه آمدند)

نکته: شبه جزیره عربستان قبل از ظهور اسلام؛ فرهنگ جاهلی و قبیله ای داشت. شمال غرب جزیره، تحت نفوذ و سلطه امپراتوری روم و جنوب شرقی آن تحت تأثیر و سلطه شاهنشاهی ایران بود.

ب) دوران خلافت: (این دوران از زمان رحلت پیامبر (ص) آغاز شد و در طول خلافت اموی، عباسی و عثمانی ادامه یافت).

نکته: در دوران خلافت؛ ارزش ها، هنجارها و رفتارهای قبیله ای و جاهلی عرب دوباره نمایان شد و بتدریج جامعه اسلامی را در چارچوب مناسبات قبیله ای و عشیره ای سامان بخشید.

ارزشها، هنجارها و رفتارهای قبیله ای و جاهلی عرب در عصر نبوی تا فتح مکه، ابتدا آشکارا در برابر اسلام مقاومت کرده و سپس در پوشش نفاق (ریا و ظاهرسازی) خزیده بود. در دوران خلافت به محض مهیا شدن شرایط؛ همین ویژگی های جاهلی عرب مجدداً ظاهر شد. (مکان هایی مانند: مسجد جامع سامراء در دوره خلافت عباسیان / مسجد اُموی در دمشق در دوره خلافت اُمویان / کاخ دَلْمَه باغچه در استانبول ترکیه در دوره خلات عثمانی ها که در ساخت آن ۱۴ تن ورقه طلا بکار رفته است. نمونه هایی از ظاهر شدن ارزش ها و رفتارهای قبیله ای و جاهلی عرب محسوب می شوند. بناهایی که نماد تجمل گرایی / نابرابری اجتماعی / و .. است.)

وضعیت ارزش ها و رفتارهای قبیله های و جاهلی عرب،
 در عصر نبوی: (ب) خزیدن در پوشش نفاق و ظاهرسازی (پس از فتح مکه و تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر(ص))

وضعیت ارزش ها و رفتارهای قبیله های و جاهلی عرب در دوران خلافت
 مناسبات قبیله ای و عشیره ای
 نمایان شدن دوباره و ساماندهی جامعه اسلامی در چارچوب

وضعیت عقاید و ارزش های جهانی دین اسلام در دوران خلافت :

در دوران خلافت؛ عقاید و ارزش های جهانی دین اسلام؛ فارغ از عملکرد قدرت های سیاسی و با تلاش عالمان مسلمان؛ از مرزهای جغرافیایی و سیاسی جوامع مختلف عبور کرده و بر قدرت های سیاسی آن جوامع، تأثیر گذارد.

فرهنگ اسلامی بدلیل قدرت و غنای خود، گروه های مهاجم بیگانه را نیز در درون خود هضم و جذب می کرد و دستکم آنان را ناچار می ساخت تا برای استمرار و بقای خود، در ظاهر از مفاهیم و ارزش های اسلامی استفاده کنند. البته این در حالی است که : غلبه و استیلای قدرت هایی چون: سلجوقیان، خوارزمشاهیان، مغولان، عثمانی و ... که در چارچوب فرهنگ قومی و قبیله ای رفتار می کردند نیز مانع از آن می شد تا ظرفیت های فرهنگ اسلامی و ارزش های اجتماعی آن بطور کامل آشکار شود.

وضعیت عقاید و ارزش های جهانی دین اسلام
 در دوران خلافت
 (الف) عبور از مرزهای سیاسی و جغرافیای جوامع مختلف (با تلاش عالمان دینی)
 (ب) هضم و جذب گروه های مهاجم در درون خود (بدلیل قدرت و غنای بالای خود)
 (ج) فقدان آشکار شدن کامل ظرفیت ها و توانایی ها (بدلیل استیلای گروه های مهاجم)

ج) دوران استعمار

در دوره استعمار : دوات های استعماری غربی؛ بخش های مختلف جوامع اسلامی را تحت نفوذ و سلطه سیاسی خود در آوردند و قدرت نظامی و صنعتی آنان، بیشتر رجال سیاسی و دولتمردان اسلامی را مقهور و مجذوب خود می ساخت.

در دوره استعمار: قدرت سیاسی جوامع اسلامی، از استبداد ایلی و قومی به استبداد استعماری تبدیل شد.

قدرت سیاسی جوامع اسلامی تا قبل از استعمار ریشه در مناسبات قومی و قبیله ای داشت. اما در دوره استعمار از طریق سازش با دولت های غربی با قدرت استعمارگران پیوند خورد.

تفاوت راهبردی (استراتژیک) میان استبداد ایلی و قومی و استبداد استعماری :

استبداد ایلی و قومی به رغم هویت غیراسلامی خود، بدلیل اینکه پشتوانه ای خارج از جهان اسلام نداشت؛ از رویارویی مستقیم با فرهنگ توانمند اسلامی دوری می‌گزید و تلاش می‌کرد با رعایت ظواهر اسلامی، ظاهر دینی خود را حفظ کند. اما استبداد استعماری بدلیل اینکه در سایه قدرت و سلطه جهان غرب عمل می‌کرد، در جهت گسترش نیازهای اقتصادی و فرهنگی جهان غرب، چاره ای جز حذف مظاهر فرهنگ اسلامی نداشت. (حذف مظاهر فرهنگ اسلامی با هدف تأمین منافع اقتصادی و فرهنگی جهان غرب).

توضیح بیشتر:

در دوران خلافت (أمویان/عباسیان/عثمانی ها) شیوه حکومت در جوامع اسلامی بصورت استبداد ایلی و قومی همراه با ظاهرسازی اسلامی بود اما در دوران استعمار، شیوه حکومت در جوامع اسلامی بصورت استبداد استعماری همراه با حذف مظاهر فرهنگ اسلامی بود.

استبداد ایلی و قومی: ریشه در مناسبات قومی و قبیله ای دارد و برای حفظ قدرت؛ ظاهر دینی خود را حفظ می‌کند.

استبداد استعماری: ریشه در پیوند با دولت استعماری دارد (ریشه در حمایت و پشتیبانی دولت استعماری دارد) و برای حفظ قدرت؛ و در جهت تأمین نیازهای اقتصادی و فرهنگی دولت استعماری؛ مظاهر فرهنگ اسلامی را حذف می‌کند.

مثال از استبداد ایلی و قومی: ناصرالدین شاه قاجار که برای حفظ ظاهر دینی، دستور ساخت بنای تکیه دولت در تهران را داد (تکیه دولت؛ بنایی بود برای برگزاری مراسم عاشورا و اجرای تعزیه)

مثال از استبداد استعماری: رضا شاه که در تاریخ ۱۷ دیماه ۱۳۱۴ دستور منع استفاده از چادر، روبنده و روسری برای زنان و دختران را صادر کرد.

د) عصر بیداری اسلامی:

در مقابل نفوذ و سلطه فرهنگ غرب؛ مقاومت‌هایی صورت گرفت که ریشه در فرهنگ اسلامی داشت. متفکران جهان اسلام، خطرات سلطه فرهنگ غرب بر جوامع اسلامی و فراموشی فرهنگ و هویت اسلامی را گوشزد می‌کردند. شخصیت‌های برجسته ای چون **سید جمال‌الدین اسدآبادی و امام موسی صدر از پیشگامان بیداری اسلامی** محسوب می‌شوند.

نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری جوامع اسلامی (گشودن مرحله جدیدی در گسترش فرهنگ جهانی اسلام)

انقلاب اسلامی ایران؛ نقطه عطفی در بازگشت به فرهنگ اسلامی در جهان اسلام است. بسیاری از نخبگان کشورهای اسلامی تا قبل از انقلاب اسلامی ایران؛ برای مقابله با سلطه استعمار، از مکاتب و روش‌های غربی مانند: ناسیونالیسم (ملی‌گرایی) یا مارکسیسم استفاده می‌کردند. این مکاتب هم وحدت امت اسلامی را مخدوش می‌کردند و هم مورد حمایت مسلمانان واقعی قرار نمی‌گرفتند.

امت اسلامی با الهام از انقلاب اسلامی و بازگشت به سوی هویت الهی خود، مرحله جدیدی را در گسترش فرهنگ جهانی اسلام رقم می‌زند.

پیوست (برای مطالعه دانش آموزان)

خلافت أمویان: (۱۳۲-۴۱) قمری (۷۵۰-۶۶۱) میلادی. اولین حکومت در اسلام که خُلفای آن بطور موروثی همانند شاهان حکومت می کردند. پایتخت این خلافت در دمشق بود و اوج گسترش آن در زمان هشام بن عبدملک (از شرق تا اطراف چین و از غرب تا فرانسه) بود. أمویان به مدت ۹۱ سال؛ خلافت (حکومت) کردند.

خلافت عباسیان: (۱۲۵۸-۷۵۰) میلادی. بنیانگذار این خلافت خود را از نوادگان عباس بن عبدالمطلب می خواند. به همین دلیل به عباسیان معروف شدند. این خلافت بدنبال جنبش سیاه جامگان به رهبری ابومسلم خراسانی تأسیس شد. پایتخت این خلافت به ترتیب کوفه- بغداد و سامراء بود. اولین خلیفه عباسی؛ عبدالله بن محمد (سفاح) بود و آخرین خلیفه: متوکل سوم بود. عباسیان به مدت ۵۰۸ سال خلافت کردند.

خلافت عثمانی ها: (۱۹۲۴-۱۲۹۹) میلادی. اوج گسترش این خلافت (امپراتوری) در قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی بویژه در زمان سلطان سلیمان قانونی بود که کل جنوب شرقی اروپا، بخش هایی از اروپای مرکزی و آسیای غربی. بخش هایی از شرق اروپا و قفقاز و قسمت های وسیعی از شما آفریقا را تحت فرمان خود در آورده بود. دوران ضعف این امپراتوری از اواخر قرن ۱۸ آغاز شد. شکست عثمانی در جنگ جهانی اول منجر به اشغال سرزمین های این امپراتوری توسط متفقین و تقسیم آنها بین خود شد. نهایتاً شورش ترک زبانان آناتولی در جنگ استقلال ترکیه؛ منجر به تأسیس جمهوری ترکیه شد. (امپراتوری عثمانی بمدت ۶۲۵ سال تداوم داشت)

ناسیونالیسم (Nationalism): یعنی: عشق و دلبستگی عمیق به سرزمین و فرهنگ کشور خود.

مارکسیسم (Marxism): مکتبی سیاسی و اجتماعی که توسط کارل مارکس (فیلسوف و جامعه شناس آلمانی) در اواخر قرن ۱۹ ایجاد شد. اساس این مکتب این است که: تاریخ جوامع؛ تاریخ مبارزه طبقاتی بوده است. در عصر حاضر مبارزه طبقاتی میان طبقه سرمایه دار و کارگر جریان دارد که تنها راه پیروزی طبقه کارگر و رهایی از نظام سرمایه داری؛ انقلاب طبقاتی است. (انقلاب کارگران علیه سرمایه داران)

بنای تکیه دولت: بنا یا ساختمانی بود که بدستور ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۴۸ شمسی و با الگوبرداری از بزرگترین سالن تئاتر سلطنتی انگلستان بنام؛ رویال آلبرت هال لندن ساخته شد.